اشتیاق مساوی با هدف است

کاش می‌شد صبح زود از خواب برخیزیم و با انگیزه و علاقمند به روزی فکر کنیم که در پیش رو داریم. کاش کابوس سرکار رفتن تبدیل به شادی و هیجان انجام کار می شد. باور کنید یا نه این برنامه روزانه یک عده از مردم است! هر روز صبح با اشتیاق بسیار بیدار می شوند و به کارهای پیش رو فکر می کنند، آنها به آنچه انجام می‌دهند عشق می‌ورزند اما بیشتر مردم هم، روزها را به عشق تعطیلی آخر هفته و جشن‌ها و برنامه های متنوع سپری می کنند. اشتیاق مساوی با هدف است! مطمین باشید در کاری که شوق و اشتیاقی به آن ندارید، هرگز پیروز نخواهید شد! کاری که از انجامش دچار شور و هیجان می شوید، دقیقا آن کاری است که برای انجامش خلق شده اید!

برای یافتن شغل ایده آل تان، باید وارد یک سفر اکتشافی شوید. این سفر با کشف شما شروع می شود. کشف کسی که پشت صورت ظاهریتان، ورای استرس ها و مشکلات روزمره تان، زندگی می کند. وقتی این ماسک برداشته شود، سفر شما با یافتن شغل مورد علاقه تان ادامه می یابد، شغلی که در آن بهترین استفاده را از استعدادهایتان خواهید کرد. مسلماً این پایان سفر نیست، ماهیت هر کاری، با تغییر، رشد، پیشرفت و خلق دوباره همراه است.

پرونده شخصیت، حلقه ای گمشده در بین افراد

دکتر علی باجلان متخصص روانشناسی گفت: خیلی از مردمانی که از صبح تا شب با آنها روبه رو می شویم، درک درستی از شناخت شخصیت ندارند و تنها رفتارهای فرد را به عنوان شخصیت او تلقی می کنند. هرچند که گاهی از روی رفتار می توان شخصیت را به درستی شناخت اما ممکن است، برداشت های ما از شخصیت مردم براساس رفتار فرد در یک رویارویی کوتاه باشد که این اشتباه است و باید طبق واکنش و رفتار فرد در موقعیت های مختلف شناخت شخصیتی صورت گیرد.

وی افزود: ثبات، پایداری، بی همتایی و منحصر به فرد بودن از ویژگی های شخصیت است.هیچ دو فردی دارای یک نوع شخصیت نیستند، از این رو وقتی سطح شخصیتی مشخص باشد در همه زمان‌ها، مکان ها و همه تحریکات یک شیوه مشخص پاسخگویی را خواهیم داشت و به همین دلیل است که برای شناخت شخصیت فرد باید رفتار ها و واکنش های او را در هر موقعیتی مد نظر قرار داد.

تغییر شخصیت، ممکن یا محال؟

از آنجا که وقتی شخصیتی شکل بگیرد دیگر قادر به تغییر کلی آن حتی با گذشت زمان نیستیم، این روانشناس بیان کرد : شناخت عواملی که شخصیت ما را شکل می دهند، بسیار مهم است چرا که پس از شکل‌گیری شخصیت تغییر آن بسیار سخت و تقریبا محال است.

درواقع باید گفت تمام عواملی که در این جهان وجود دارند، می‌توانند در شکل گیری شخصیت تاثیرگذار باشند، از عوامل ژنتیکی و فیزیولوژیکی و جسمی گرفته تا روابطی که پدر و مادرها دارند و قوانین و مقرراتی که برای فرزندان می گذارند، شرایط اجتماعی، فرهنگی، نوع تربیت مدارس و تجربیات خود فرد همه دست به دست یکدیگر می دهند تا شخصیت فرد شکل بگیرد.

با «جان هالند» خود را بشناسید

دکتر باجلان در این خصوص نظریه جان هالند را معرفی کرد و اظهار داشت: در این نظریه گفته شده که یک رابطه متقابل و دوسویه بین شخصیت و شغل وجود دارد و بهتر است افراد بر اساس ۶تیپ شخصیتی، نوع شخصیت شان را شناخته و کارشان را انتخاب کنند. این ۶ تیپ شامل شخصیت واقع گرا، جستجوگر، اجتماعی، قراردادی، تهوری و هنری می باشد.

وی درباره اولین تیپ های شخصیتی واقع گرا و جستجوگر ادامه داد: از خصوصیات افرادی که در این طبقه قرار می گیرند، می توان جدیت در کار، واقع بینی در امور، مهارت های مکانیکی، تفکر عملی، قدرت جسمانی، صرفه جویی، علاقه و هماهنگی در کارها را نام برد. این افراد بهتر است به دنبال مهارت های آموزشی، پژوهشی و فنی بروند. همچنین در دومین سبک شخصیتی افراد با خصوصیات متفکر، جستجوگر، دارای قدرت سازماندهی و استدلال وجود دارند.

این طبقه از افراد روابط اجتماعی را زیاد دوست ندارند و درعین حال بسیار خلاق و کم رو هستند، کمتر به تغییر رشته تحصیلی در دانشگاه می پردازند، گاه به رویاپردازی در مورد پیشرفت های آینده خود مبادرت می ورزند و این تیپ شخصیتی معمولا باید به شغل های علمی پژوهشی ،پزشکی یا گاهی مهندسی بپردازند.

استادان این تیپ شخصیتی را دارند

این روانشناس درباره شخصیتی که معلمان و اساتید دانشگاهی باید داشته باشند تصریح کرد: سومین تیپ شخصیتی (اجتماعی) شامل افرادی با خصوصیات بشردوستی، وظیفه شناسی، صبر و شکیبایی است که معمولا همکاری خوبی داشته و از کارهای بدنی خوششان نمی آید، از این رو شغل این افراد باید آموزشی باشد مثلا معلم یا استاد دانشگاه شوند.

وی افزود: در تیپ شخصیتی قراردادی افراد احترام خاصی برای قوانین و مقررات قایل هستند، بسیار منظم ،محتاط، مطیع و دوراندیش می‌باشند و بر اساس این ویژگی ها بهتر است در شغلهای اداری، منشی‌گری و کارهایی که یکنواخت است و نیاز به یک مسئولیت و تمرکزخاص دارد مشغول شوند مثل شغل بایگانی و...

کارگردانی یا مدیریت؟ کدام بهتر است؟

وی بیان کرد: افراد تیپ شخصیتی تهوری در گویائی بسیار مهارت دارند (به قولی می توانند با زبانشان مار را از لانه بیرون بکشانند)، ماجراجو و اجتماعی هستند و در فعالیت هایشان نقش غالب را برعهده می‌گیرند. در جستجوی قدرت و موقعیت هستند و می کوشند تا رهبر شوند و در امور مالی و تجارتی و نظایر آنها مهارت کسب کنند. شغل متناسب این افراد شغلهای مدیریتی است.

همچنین درخصوص تیپ شخصیتی هنری افزود: اینها شخصیتی هستند که خیلی راحت ابراز احساسات می‌کنند. معمولا دراین نوع تیپ صفات زنانه بیشتر از صفات مردانه است، آرمانگرا، خیال پرداز و استقلال طلبند و بهتر است در مشاغل هنری وارد شوند مثلا بازیگری، موسیقیدانی و کارگردانی را انتخاب کنند.

شخصیت خود را کشف کنید!

برای شناخت شخصیت باید رفتارها و ویژگی های خود را به طور کامل بشناسیم، برای این کار می‌توانیم از خودافشایی استفاده کنیم مثلا درباره تفکرات وخصوصیات خود که دیگران از آنها اطلاع ندارند با آنها صحبت کنیم و از دیگران بازخورد بگیریم و بپرسیم که در حالتهای عادی و شرایط ویژه چه نوع رفتارهایی داریم، دراین صورت دامنه اطلاعاتمان درباره خود بیشتر می شود و می‌توانیم بهتر خود را بشناسیم.

کار دیگر برای شخصیت شناسی همان خودآگاهی است یعنی از ویژگی ها، علایق ،ارزشهای اصلی ،اهداف و آرزوهایمان آگاه باشیم. درواقع باکسب مهارت خودآگاهی، گامی در جهت شناسایی سبک شخصیت خود برداشته ایم که سرمنشا تمام موفقیت های ما می‌باشد چراکه با توجه به آنها می توانیم شغل مناسب بیابیم یا حتی با فردی که با ماهمخوانی دارد ازدواج کنیم.

هیجاناتی که به موفقیت های بزرگ ختم می شوند

دکتر باجلان خاطرنشان کرد: متاسفانه این وجود دارد که اکثر افراد در کارهایی هستند که با ویژگی آنها همخوانی ندارد و این باعث نارضایتی آنها در زندگی شغلی، اجتماعی و خانوادگی می شود و این نه تنها هیچ موفقیتی را برای فرد در آینده نخواهد داشت، بلکه او را دلسرد و دلزده می کند بنابراین بهتر است وقتی می خواهیم افرادی را استخدام کنیم، آنها را براساس شخصیتشان به کار بگیریم و برای این منظور از تستهای شخصیت شناسی استفاده نماییم.

دلیل اصلی نیاز به اشتیاق و هیجان برای انجام کار و در نهایت رسیدن به موفقیت آن است که هیچ چیزی جز آن نمی تواند، راهنما و یاور ما در برخورد با موانع و مشکلات و چالش های پیش رو باشد. هیجان و اشتیاق سنگ بنای اولیه همه موفقیتهای بزرگ و چشمگیرهستند. وقتی هماهنگ با انگیزه هایت حرکت کنی، شناور می شوی و در جهان کل جریان می یابی نه فقط در انزوای خودت. پس بلند شو و تک تک اموری که احساس می کنی در تو هیجان و شور به پا می کنند را پیدا کن و در مسیر تعالی و رشد آنها قدم بردار.

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۶۹

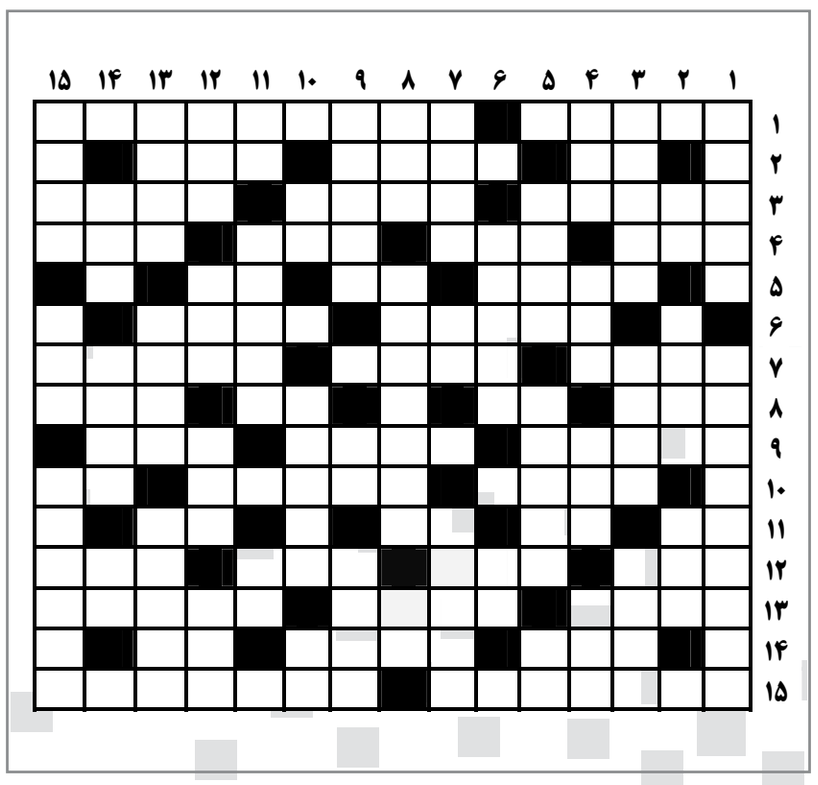

افقی:
۱-در گرو- انقلابی اسطوره‌ای
۲-شراب- پیغمبر نقاش- زره ماهی
۳-صحرا- عجیب و شگفت‌آور- انگیزه‌ها
۴-دوستی- بسیار محرمانه- خوردن- سلاح کاشتنی
۵-پیمان آتلانتیک شمالی- رود آرام روسی- غذای آبکی
۶-نوعی صفت در زبان فارسی- مغز
۷-نشاط و سرخوشی- از شهرهای فرانسه- از جنس روی
۸-مخابره- قبل از برخی افعال می‌آید- ناخوب- از عناوین هندی
۹-از میوه‌های تابستانی- گل بوته پنبه را گویند- پوشش
۱۰-پیغمبری در شکم ماهی- رم کننده- دست عرب
۱۱-نکوهش- علامت مفعول بی‌واسطه- عدد چرب- گونه
۱۲-نشانه- ساختمان- افسانه- از بازی‌های قدیمی
۱۳-عجله- آواز خواندن- از خدایان باستانی
۱۴-گریبان- خبر از پیاده ندارد- شاه دم بریده
۱۵-دانه انار- تقاضا نمودن

عمودی:
۱-در پیوند- شرایط تعیین کردن
۲-خاندان- جنس- مرده
۳-از استان‌های غربی- شهری در هند- دومین همسر ابراهیم (ع)

جواب جدول شماره ۹۴/۷۶۸

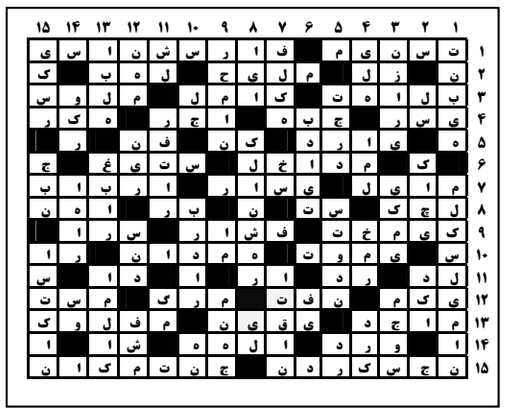

۴-سرپرست- رنگ آسمان- رنگی برای مو- درخت ترسو
۵-وجود- از توابع بندرعباس- حرف همراهی
۶-سلاست- زبان موسیقی
۷-از مصالح ساختمانی- توان- میدانی در جنوب غربی شیراز
۸-از زدنی‌ها- پایبندی به ارزش‌های دینی- جدید
۹-خراب- اندوه- سفره
۱۰-بخشی از استخوان صورت- نامی پسرانه- نقش
۱۱-خاموش- از توابع لارستان- مرکز ایتالیا
۱۲-دختر یونانی که پاریس او را دزدید- طنزپرداز ایرلندی- آسان- حسد
۱۳-باد ملایم خنک- حساسیت نسبت به بیگانه را گویند- نیک آن خوب است
۱۴-هوای خارجی- کمک- سطح
۱۵-روییدن- زیرخاکی- از مدیران فوتبالی قبلی

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۴۳

			4	5		8		2
				6	1	4		
	4	3	2					
	9	4	5			6	8	
5				9				3
	7	1			6	9	4	
					8	2	1	
		7	9	1				
1		6		2	5			

جواب جدول شماره ۹۴/۲۴۲

5	2	6	4	8	9	3	7	1
4	8	7	1	3	6	5	9	2
1	3	9	7	2	5	4	8	6
6	1	3	8	5	7	9	2	4
9	7	2	6	4	3	8	1	5
8	5	4	2	9	1	6	3	7
3	4	5	9	7	2	1	6	8
7	6	8	3	1	4	2	5	9
2	9	1	5	6	8	7	4	3

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.
تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.
اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره غاشیه

پیامبر تذکر دهنده

فذکر انما انت مذکر. از اینجا مخاطب پیغمبر(ص) است: ای پیغمبر وظیفه تو تذکر دادن، متنبه کردن، بیدار کردن است. مکرر گفته‌ایم که قرآن برای انسان قائل به یک فطرت الهی است یعنی قرآن همیشه بر این مطلب تکیه دارد که در نهاد همه انسان‌ها یک حس خدایی وجود دارد. به پیغمبر می‌گوید که تو آن حس خدایی را در مردم بیدار کن. فذکر انما انت مذکر وظیفه تو تذکر دادن است، لست علیهم بمصیطر تو مسلط بر آنها نیستی یعنی وظیفه تو این نیست که مردم را [با جبر و زور به سوی دین بیاوری.] اگر مردم گوش نکردند و اطاعت نکردند تو مسئولیت آنها را نداری، اختیار آنها را به تو نداده‌اند و تو مسئول آنها بیش از اینکه مذکر آنان باشی نیستی. یک وقت یک نفر را به شکلی مسئول قومی قرار می‌دهند که [به او می‌گویند] تو باید آنها را [به سوی این دین] بیاوری، به جبر هم که شده باید آنها را بیاوری. می‌گوید نه، مسئله دین مسئله جبر نیست، مسئله بیدار کردن است. تو باید به آنها تذکر بدهی، هر کس گوش کرد، کرد و هر کس گوش نکرد، نکرد.

فذکر انما انت مذکر. لست علیهم بمصیطر. الا من تولی و کفر. فیعذبه الله العذاب الاکبر.

«الا من تولی و کفر» اگر استثناء از «فذکر انما انت مذکر» باشد معنایش این است که تو یک مذکر هستی و مردم هم همه به این تذکر تو متذکر می‌شوند مگر کسانی که آفت‌زده هستند، کسانی که به جای اینکه رویشان را به طرف تو بکنند پشتشان را به طرف تو کرده‌اند، کسانی که کافر شده‌اند و روی فطرت خودشان را پوشانده‌اند. تذکر تو نسبت به آنها فایده ندارد. و اما اگر استثناء از «لست علیهم بمصیطر» باشد معنایش این است که تو وظیفه نداری که با مردم به جبر و عنف رفتار بکنی مگر آنها که کافر ماجرایی کنند که آنگاه ما به تو در آینده اجازه جهاد خواهیم داد.

فیعذبه الله العذاب الاکبر که خدا این جور پشت‌کنندگان و کافر ماجراها و پوشانندگان روی حقیقت را عذاب خواهد کرد به یک عذاب بزرگتر. این الینا ایابهم. ثم ان علینا حسابهم. بازگشت همه مردم به سوی ماست و حساب همه مردم هم بر عهده ماست.

*****

تفسیر سوره فجر

بسم الله الرحمن الرحیم. و الفجر. و لیال عشر. و الشفع و الوتر. والیل اذا یسر. هل فی ذلک قسم لذی حجر. الم تر کیف فعل ربک بعاد. ارم ذات العماد. التی لم یخلق مثلها فی البلاد. و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد. و فرعون ذی الاوتاد. الذین طغوا فی البلاد. فاکثروا فیها الفساد. فصب علیهم ربک سوط عذاب. ان ربک لبالمرصاد.

روح این سوره

سوره مبارکه فجر است. روح این سوره با ترجمه آیات «فاما الانسان اذا ما ابتلیه ربه فاکرمه و نعمه فیقول ربی اکرمن. و اما اذا ما ابتلیه فقدر علیه رزقه فیقول ربی اهانن» مبارزه با فکر افرادی است که اکرام و انعام مادی و دنیایی را دلیل کرامت شخصیت خودشان و سعادت واقعی می‌شمارند و به آن آرام می‌گیرند و قهراً مغرور می‌شوند که به دنبال آن هزاران فساد پیدا می‌شود، و برعکس فقر را اهانت به شخصیت واقعی خودشان می‌شمارند. از نظر منطق واقعی، فقر و غنا هر دو وسیله هستند برای سعادت یا شقاوت و بدبختی؛ [یعنی سعادت و شقاوت بستگی دارد به اینکه] انسان چه عکس‌العملی در مقابل این اکرام‌ها و انعام‌ها و غناها یا فقرها و احتیاج‌ها نشان بدهد. به تعبیر دیگر: همه اینها برای انسان مایه امتحان و ابتلاست.

شروع سوره با سوگند است و چه سوگندهای لطیفی! و الفجر سوگند به فجر. فجر یعنی سپیده دم، صبح، آن وقت که شب در حال به پایان رسیدن است.

دو صبح داریم: صبح صادق و صبح کاذب. قبل از صبح صادق، سپیدیی به شکل عمودی پیدا می‌شود که زود هم پخش می‌شود و تمام می‌شود. بعد، صبح صادق هنگامی است که یک خط افقی سپیده پیدا می‌شود که اول وقت نماز صبح است.

سوگند به سپیده دم در قرآن

می‌فرماید: سوگند به سپیده دم. این از آن سوگندهایی است که قرآن کریم مکرراً از آن یاد کرده است. از جمله در سوره اذا الشمس کورت فرمود: و الصبح اذا تنفس.

آنجا تعبیر این بود: سوگند به صبح آنگاه که نفس می‌کشد. احتمالاً کلمه «سپیده دم» در فارسی از همین آیه قرآن گرفته شده، چون «دم» به معنی تنفس است و سپیده دم یعنی آن دم و تنفسی که از نوع سپیده است.

و نیز در سوره یا ایها المدثر فرمود: کلا و القمر. و الیل اذ ادبر. و الصبح اذا اسفر. سوگند به ماه، سوگند به شب آنگاه که پشت می‌کند، سوگند به صبح آنگاه که پرده از چهره برمی‌دارد. اینها سه تعبیر مختلف است. در سوره یا ایها المدثر صبح به چهره زیبایی تشبیه شده است که گویی پرده‌ای ظلمانی و تاریک را که پرده شب باشد از جلوی خود کنار می‌زند. در سوره اذا الشمس کورت تشبیه دیگری است و تعبیر به تنفس شده است.

کأنه صبح در حالت شب زیر جسم بزرگی و در حالت خفقانی بوده که نمی‌توانسته نفس بکشد، آن وقت یک مرتبه نفس می‌کشد. نفس کشیدن علامت و نشانه حیات است. در اینجا تعبیر به «فجر» شده است که باز به عنایت دیگری است. [صبح] را از آن جهت «فجر» می‌گویند که کأنه سپیده صبح دامن شب را می‌شکافد مثل آبی که زمین را می‌شکافد.